

کد خبر: 92072917947
دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۲ - ۱۱:۲۸



موسویان و شهید ثالث:

روحانی بهترین فرصت غرب برای رسیدن به توافق با ایران است

سرویس: سیاسی - سیاست خارجی

سیدحسین موسویان و شهیر شهیدثالث در مقاله‌ای که در روزنامه گلف نیوز منتشر شد، نوشتند که تا زمانی که رییس‌جمهور ایران سطح فعلی اعتبارش در زمینه سیاست خارجی ایران را حفظ کند، پنجره فرصت برای رسیدن به توافق و یک راه‌حل صلح‌آمیز برای موضوع هسته‌یی ایران باز باقی خواهد ماند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، سیدحسین موسویان عضو پیشین تیم مذاکره‌کننده هسته‌یی ایران و شهیر شهیدثالث، تحلیلگر سیاسی و روزنامه‌نگار مستقل ساکن کانادا در مقاله‌ای که در بخش نظرات ستون‌نویس‌های روزنامه گلف‌نیوز منتشر شد نوشتند: تفکر استراتژیک بسیاری از تحلیلگران و سیاستگذاران در آمریکا، همان‌طور که شخص باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا توصیف کرده این است که «اگر هم یک تهدید قابل اطمینان استفاده از زور و هم تلاش‌های شدید دیپلماتیک وجود داشته باشد، می‌توان به توافق (با ایران) دست یافت».

این نظریه که تهدیدات و رعب‌افکنی آمریکا روی نتایج مثبت و تصمیمات دولت ایران تأثیر می‌گذارد نادرست است. گرچه وابستگی غرب به این ایدئولوژی دلیل اصلی وضعیت فعلی روابط ایران و آمریکاست.

یکی از نویسندگان این مقاله به عنوان یکی از کارشناسان سیاست خارجی به مدت سه دهه بر این عقیده است که تهدیدات آمریکا و هرگونه نهاد دیگری هرگز دلیلی برای تغییر سیاست خارجی ایران نبود.

برعکس، ایران سیستم سیاسی‌اش را یک نهاد مستقل از قدرتهای خارجی و به ویژه آمریکا تعریف می‌کند. از زمان انقلاب همیشه همین‌طور بوده است و حتی در حالی‌که ایران به دنبال آشتی با غرب است، این مساله در اولویت قرار دارد.

قانون استقلال نه تنها نتیجه فرهنگ غنی ایران است، بلکه مقاومت تهران در برابر فشارهای خارجی نیز از سیستم دین‌سالاری این کشور نشأت می‌گیرد. در نهایت اگر ایران به دلیل ترس از تهدیدات آمریکا کشورش را اداره می‌کرد، آنگاه تهدیدات بیشتر، مصالحات بیشتر به همراه داشت و باعث می‌شد دولت اسلامی ایران هویت و استقلالش را از دست بدهد.

تحلیل تاریخ نشان می‌دهد که وقتی ایران هدفی برای خود تعیین می‌کند، با وجود فشارها و موانع خارجی به این هدف دست می‌یابد. برای مثال از زمان انقلاب اسلامی ایران، همه قدرتهای جهان با اتفاق نظر جمعی با توسعه فناوری هسته‌یی صلح‌آمیز ایران مخالفت کردند. در دهه 80 و 90 میلادی، غرب تاکتیک‌های فشار مختلفی را به

رهبری آمریکا روی ایران اعمال کرد.

با وجود این اقدامات، هنگامی که محمد البرادعی مدیرکل (پیشین) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در اوایل سال 2003 به ایران آمد، او و سایر کشورهای جهان فهمیدند که تهران توانسته است تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز را کامل کند. یک مثال دیگر که نشان دهنده سرسختی ایران در مواجهه با فشارهای غرب است، توانایی موشکی ایران است. در جریان حمله عراق به ایران در سال 1980 تا 1988، صدام حسین با حمایت کامل قدرت‌های غربی صدها موشک را که به کشته شدن و زخمی شدن هزاران غیرنظامی منجر شد، به کار گرفت. در آن زمان بود که ایران تصمیم گرفت در زمینه فناوری موشکی برای دفاع از خود مهارت پیدا کند. غرب هرچه در توان داشت انجام داد تا جلوی دسترسی ایران به مواد و دانش لازم برای توسعه فناوری توانایی موشکی را بگیرد. این بار نیز با وجود این فشارها ایران در فناوری ساخت موشک مهارت پیدا کرد.

به همین ترتیب و در زمینه تسلیحات متعارف، غرب و شرق با مجموعه کاملی از تسلیحات متعارف در جریان حمله عراق به ایران که هدف از آن ایجاد تغییر رژیم و تجزیه ایران بود، از صدام حمایت کردند. علاوه بر آن یکی از اولین تحریم‌هایی که آمریکا علیه ایران اعمال کرد، علیه دستیابی ایران به تسلیحات متعارف و واردات آن بود. این تحولات موجب شد که ایران تصمیم بگیرد صنایع دفاعی خود را توسعه بخشد.

این مثال‌ها نشان می‌دهند که وقتی ایران تصمیم می‌گیرد به هدفی دست یابد، عزم راسخ آن اغلب و با وجود فشارها و مخالفت‌های غرب این هدف را تحقق می‌بخشد. تصمیم ایران برای اجتناب از ساخت تسلیحات کشتار جمعی از هر نوع آن به دلیل تهدیدها و فشار آمریکا نیست.

اگر ایران واقعا تصمیم گرفته بود که تسلیحات هسته‌پی بسازد، این‌که فشار و حتی استفاده از زور ممکن بود مانع تحقق این هدف توسط ایران شود با توجه به دستاوردهای قبلی‌اش منطقی به نظر نمی‌رسد.

هنگامی که صدام با کمک‌های همه‌جانبه غرب صد هزار نفر از مردم ایران را با استفاده از تسلیحات شیمیایی در جریان جنگ ایران و عراق کشت و یا زخمی کرد، ایران هرگز با تسلیحات شیمیایی دست به اقدام متقابل نزنند و هرگز سعی نکرد درصدد تولید چنین تسلیحاتی برآید. این نشان می‌دهد که اگر ایران تصمیم بگیرد هدفی را دنبال نکند (چه به دلیل دلایل مذهبی و چه غیر از آن) آنگاه چنین کاری را حتی در صورت وقوع شرایط حاد مانند جنگ انجام نخواهد داد.

انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور ایران فرصت دیگری را برای غرب به وجود می‌آورد تا به یک راه‌حل دیپلماتیک در زمینه موضوع هسته‌پی ایران برسد. تجربیات سیاسی او به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به مدت شانزده سال، رئیس کمیته سیاست خارجی پارلمان ایران به مدت هشت سال، مذاکره‌کننده اصلی با EU3 از سال 2003 تا سال 2005 و نمایندگی آیت‌الله خامنه‌ای در شورای امنیت ملی به مدت 23 سال می‌تواند به پتانسیل مذاکرات موفقیت‌آمیز درباره موضوع هسته‌پی ایران کمک کند.

اظهارات برخی تحلیلگران آمریکایی درباره این‌که زمان روحانی محدود است، ولی زمان آمریکا محدود نیست، صحت ندارد. از آنجایی که استراتژی آمریکا در زمینه اعمال فشار و تهدید به زور تاثیر نداشته است، می‌توان نتیجه گرفت که پنجره فرصت برای رسیدن به توافق و یافتن یک راه‌حل صلح‌آمیز با ایران در زمینه برنامه هسته‌پی‌اش تا زمانی که

روحانی سطح فعلی اعتبار در زمینه سیاست خارجی ایران را داشته باشد، باز باقی خواهد ماند. به بیان دیگر پنجره فرصت به همان اندازه که برای روحانی باز یا بسته است، برای آمریکا و قدرتهای جهانی نیز باز یا بسته است.

در پایان این مقاله آمده است: علاوه بر آن اگر روحانی در تحقق لغو معنادار تحریمها موفق نشود و در نتیجه موضوعش تا جایی ضعیف شود اعتبارش در زمینه سیاست خارجی ایران را از دست بدهد، چه سناریوهای دیگری غیر از تشدید درگیری بین ایران و آمریکا را می‌توان به طور منطقی انتظار داشت؟

تضمینی وجود ندارد که تداوم آن وضعیت بی‌ثبات این رابطه را از وضعیت «جنگ سرد» به یک جنگ تمام عیار تبدیل نکند.

انتهای پیام

© Copyright 1998-2013 Iranian Students' News Agency - ISNA
Powered by [ITOrbit](#) Co.